

## تحلیل عدالت اجتماعی در شهر با تاکید بر نابرابریهای آموزشی مورد شناسی: شهر زاهدان\*

مریم کریمیان بستانی

دانش آموخته مقطع دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

Maryam\_karimian55@yahoo.com

دکتر آریتا رجبی

استادیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

### چکیده:

هر گونه تغییر و تحول سازنده‌ای در محیط‌های شهری بدون توجه به پرورش نیروی کارآمد و تشکیل سرمایه انسانی انجام شدنی نیست و نیروی انسانی کارآمد در سایه فرصت‌های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. شهر زاهدان با یک سابقه خیلی کوتاه در شهرنشینی، طی دهه‌های اخیر رشد ناموزنی داشته، که زمینه ساز نابرابری اجتماعی به ویژه در امکانات آموزشی در بین شهروندان و مناطق می‌باشد. نتایج این مقاله نشان می‌دهد بین مناطق شهر زاهدان در برخورداری از امکانات آموزشی تفاوت فاحشی وجود دارد و منطقه دو شهرداری به عنوان برخوردارترین منطقه و مناطق یک و سه به عنوان مناطق محروم از این حیث محسوب می‌شوند. در میان شاخصهای مورد بررسی بیشترین اختلاف در برخورداری از امکانات آموزشی در بین مناطق به لحاظ شاخص مراکز آموزش عالی غیر دولتی با ضریب  $1/82$  و کمترین اختلاف در میان شاخصها در سرانه مهد کودک و پیش دبستانی با  $0/72$  می‌باشد. در مجموع ضریب اختلاف برای تمامی شاخص‌های مورد بررسی در سطح بالایی بوده که نابرابری شدیدی را در توزیع سرانه‌های آموزشی در بین مناطق شهری تبیین می‌کند. از نتایج دیگر پژوهش حاضر این است که، در طی دهه‌های اخیر، روند توزیع و سازمان‌یابی امکانات آموزشی در شهر زاهدان به سمت عدم تعادل و تمرکزگرایی در منطقه دو و تشدید نابرابریها و در نتیجه گسستگی بیشتر عدالت فضایی بین مناطق در جریان است. و این می‌تواند هشدار جدی به دست اندرکاران امور شهری و برنامه ریزان آموزشی باشد.

واژه‌های کلیدی: عدالت اجتماعی، مراکز آموزشی، زاهدان.

\* این مقاله استخراج شده از رساله دکترائی است که به راهنمایی دکتر آریتا رجبی تهیه شده است.

## مقدمه

بررسیهای تجربی روشن میکند که وجه ممیزه و مشخصه شهرنشینی جهان سومی فعلی ناموزونی و بی عدالتی است. پیامد این امر گسترده شدن تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی در بین شهروندان، شکل‌گیری سکونت‌گاههای غیر رسمی و ناهنجاریهای اجتماعی را به همراه داشته است. به همین منظور امروزه در مطالعات و برنامه‌ریزیها به توزیع خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و رفاه شهروندان توجه فراوانی شده است (قره نژاد، ۱۳۷۶: ۹۲). الگوی توزیع و دسترسی نامناسب خدمات عمومی از جمله عواملی است که موجب محروم ماندن برخی شهروندان از امکانات و زیرساختهای شهری و پیامدهای منفی آنها می‌باشد. این الگوی توزیع نامناسب، جداگرنی‌های اکولوژیک و شکاف روزافزون و دو قطبی شدن مناطق و گروههای اجتماعی (مرصوصی، ۱۳۸۳، ۹۱) را در شهر سبب شده و دستیابی به مقدمات توسعه پایدار شهری را امکان‌ناپذیر می‌سازد (نسترن، ۱۳۸۰، ۱۴۵). بنابراین نقش برنامه‌ریزان شهری در ایجاد و یا تقویت جداگرنی‌های اجتماعی و تفاوت در سطح زندگی شهروندان امری بدیهی و غیر قابل انکار است. در بررسی مسائل شهری در قالب توسعه پایدار فرض بر این است که چنانچه هزینه‌ای بدون در نظر گرفتن مکانیزم‌های برابری، صرفاً توسعه زیر ساختها، تجهیزات و خدمات شهری شود، خود باعث تشدید نابرابری بین اقشار مختلف جمعیت شهری می‌گردد (Bolary et al, 2005, 629). در کشورهای صنعتی تمام تسهیلات رفاهی اساسی با هزینه‌های مناسب در دسترس ساکنین شهری است. اما در مقابل اکثریت شهروندان در کشورهای در حال توسعه دسترسی مناسبی به خدمات اساسی ندارند. در بسیاری از نواحی دارای رشد شهرنشینی شتابان در کشورهای جهان سوم، تقاضا برای خدمات عمومی خیلی بیشتر از ظرفیت عمومی و امکانات خصوصی وضع موجود است. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که در بعضی از شهرها وضعیت بحرانی به سرعت در حال وقوع است که این امر علاوه بر کمبود منابع، نتیجه رشد برنامه‌ریزی نشده و الگوی نامناسب توزیع خدمات است (Danier & takahashi, 1999, 272) به نقل از حاتمی نژاد و همکاران). بنابراین مهمترین مسئولیت برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران شهری در کشورمان، باید تلاش برای دستیابی به فرصتهای برابر در دسترسی گروههای مختلف جامعه شهری به خدمات شهری و از بین بردن تضاد در تامین فرصتها و دسترسی‌ها باشد. و در راستای رسیدن به چنین هدفی رعایت اصل برابری و دستیابی برابر به فرصتهای زیست شهری از اولویت‌های اساسی است. از سوی دیگر، هر گونه تغییر و تحول سازنده‌ای در محیطهای شهری با پرورش نیروی کارآمد انجام‌شدنی و نیروی انسانی کارآمد در سایه فرصت‌های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. از این رو طی دهه‌های اخیر موضوع امکانات، زیرساختها و فرصت‌های آموزشی برابر مورد نظر صاحب نظران بوده است (مشایخ، ۱۳۷۷: ۷۴). کومبز از اندیشمندان پیشرو در زمینه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش بر این اعتقاد است که برنامه‌ریزی آموزشی و توسعه مناسب آن منجر به ایجاد فرصتهای برابر آموزشی می‌گردد و برای تحقق این امر مهم منابع در دسترسی آموزشی را میباید به سطوح و اجزای مختلف نظام آموزشی تسری داد (معروفی، ۱۳۷۹: ۶۲). از این رو هموار کردن راههای تحصیل در طول سه دهه گذشته یک هدف مهم و سیاستی آشکار در کشورهای در حال توسعه بوده است. زیرا در اغلب ثوریهای مربوط به توسعه یافتگی، توجه بیشتر به ابعاد فرهنگی است و بنابراین پردازش به فرهنگ و آموزش، عامل گرایش هر چه بیشتر جامعه به عدالت اجتماعی است (لنگرودی، ۱۳۸۰، ۲۸۰). این عامل به نحوی مهم است که

سازمان ملل برای سنجش سطح توسعه یافتگی آموزش را به عنوان یکی از سه ارکان اساسی جوامع مورد تأکید قرار داده است (UN, 1999). در ایران نیز جدا از معاهدات و کنوانسیونهای بین المللی، قوانین اجتماعی ملی و مذهبی نیز بر اهمیت این موضوع تأکید داشته‌اند (نبی زاده، ۱۳۸۵:۱۵۶). متأسفانه توجه به این مقوله در استان سیستان و بلوچستان و به تبع آن در شهر زاهدان به عللی همچون عقب ماندگی فرهنگی، اقتصادی کمتر توجه قرار گرفته است. این وضعیت استان سیستان و بلوچستان در کشور و شهر زاهدان در بین مراکز استانهای کشور را در سطوح آخر توسعه یافتگی قرار داده است (Afrakhteh, 2006, 430). شهر زاهدان با سابقه نه چندان طولانی شهرنشینی طی دهه اخیر رشد لجام گسیخته ای داشته به نحوی که جمعیت آن در طی نیم قرن اخیر ۳۳ برابر شده است. این شهر همانند اکثر کانونهای شهری بزرگ کشور علاوه بر پذیرش مهاجرین روستایی استان، سیلی از مهاجران افغانه را در خود جای داده است. متأسفانه نتیجه این امر به شکل گیری سکونت گاههای غیر رسمی و با استاندارد نازل همچون محلاتی کریم آباد، شیرآباد و غیره منجر شده است. رشد لجام گسیخته، مدیریت شهری را نه تنها در ارایه خدمات عمومی با مشکل روبه رو ساخته بلکه در عصر جهانی شدن مدیریت کارآمد و اثر بخش را به یک مدیریت شهری منفعل مبدل ساخته است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷:۱۴۰). در این راستا به نظر می‌رسد که الگوی توزیع و برخورداری از امکانات آموزشی در مناطق شهری زاهدان در وضعیت نامناسبی قرار دارد و روند سازمان یابی آن در جهت عدم تعادل در حرکت است. از این رو هدف بنیادی این پژوهش بررسی روند توزیع فضایی امکانات آموزشی و بررسی تطبیقی آن در بین مناطق ۳گانه شهری زاهدان است.

### مبانی نظری:

#### عدالت و برداشتهای از آن در جهان و ایران:

در تبیین عدالت، محققان از منظرهای مختلف آن را مورد کنکاش قرار داده اند و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی متأثر از چند بعدی بودن این واژه است. لیکن در عموم تقسیم بندیها و نظریات، عدالت را به دو گونه عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم نموده‌اند. عدالت افقی به معنی برخورد برابر با افراد در موقعیتهای نابرابر مثلاً توزیع کوپن مواد غذایی به صورت سرانه و یا نظایر آن، اما عدالت عمودی به معنی برخورد نابرابر اما متناسب با افراد در موقعیتهای نابرابر است. مثلاً وضع مالیات تصاعدی بر درآمد، نوعی عدالت عمودی است. (ماسگریو، ۱۳۷۲). از منظر دیگری آدامز (۱۹۹۵)، عدالت را به دو نوع عدالت تخصیصی و توزیعی تقسیم کرده است. (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶، ۹۰).

وی معتقد است که عدالت اجتماعی باید در برگیرنده عدالت توزیعی و تخصیصی باشد. زیرا نمی توان منفعت عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیعی و تخصیصی در نظر گرفت. بنابراین هرگونه برنامه ریزی شهری که مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باشد، باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آنها مؤثر باشد. البته در این بین، ایلکان و فیلیپز (۱۹۹۸) نشان داده اند که بین فرهنگها از نظر عدالت اجتماعی تفاوت وجود دارد. فرهنگهای جمع گرا مثل چین بر برابری خواهی و فرهنگهای فردگرا مثل آمریکا بر فردگرایی اقتصاد و دیدگاههای مبتنی بر تناسب تاکید می‌کنند. رویکرد مبتنی بر تناسب شامل دو مولفه فردگرایی

اقتصادی و انصاف و رویکرد برابری خواهی شامل دو مولفه نیاز و تساوی است (Iltan & Philips, 2000). کاظمی پور در موج دوم پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان، تصور در مورد عدالت اجتماعی در ۵۱ درصد مردم را توزیع امکانات به صورت مساوی، در ۲۱ درصد برحسب نیاز و در ۲۸ درصد مفهوم عدالت اجتماعی را بر حسب توزیع امکانات بر حسب شایستگی گزارش داده اند. پس میتوان نتیجه گرفت که توزیع امکانات به صورت مساوی، نگرش عمومی شهروندان ایرانی را نسبت به عدالت اجتماعی تشکیل می دهد (کاظمی، ۱۳۸۲: ۵۸).

### عدالت فضایی و شهر (دیدگاهها و ضرورتها)

مفهوم عدالت اجتماعی که از دهه ۱۹۶۰ برای اولین بار توسط اسمیت وارد ادبیات جغرافیایی شده (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵: ۷) و در دهه بعدی آن یعنی ۱۹۷۰ با افزایش طرفداران جغرافیای رادیکال به طور جدی در جغرافیا مطرح شده بود (شکویی، ۱۳۸۲، ۱۸۹)، امروزه در کانون مطالعات شهری، چه در جغرافیا و چه از اندیشمندان سایر رشته ها قرار دارد (Rawals; 1972 & 1985). در این زمینه دو دیدگاه عمده و در عین حال متضاد با هم، در بین جغرافی دانان مطرح شده است. اولین دیدگاه، که دارای قدمت تاریخی بیشتری نسبت به دیگری دارد، دیدگاه کارکرد گرایان (مکتب شیکاگو) می باشد که بیشتر در قالب نظریات اکولوژیستها مطرح شده است. در این مکتب گروههای شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک رادریستگاه خویش در طول زمان طی می کنند (شکویی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). در مجموع کارکرد گرایان بحث نابرابری های اجتماعی را پدیده ای طبیعی و غیر قابل کنترل می دانند. اما راولز - به عنوان کسی که پایه های لیبرالیسم را با مفاهیمی جدید تقویت کرده است - در دهه ۱۹۹۰ با ارایه نظریات خود تا حدود زیادی این نظرات را تلطیف می کند. او معتقد است نابرابری اجتماعی اقتصادی به دو شرط قابل قبولند، نخست اینکه این نابرابریها باید مختص به مناصب و مقامهایی باشند که تحت شرایط برابری منصفانه فرصتها باب آن به روی همگان گشوده است؛ و دوم اینکه این نابرابریها باید بیشترین سود را برای محرومترین اعضای جامعه داشته باشد (راولز، ۱۳۸۵: ۸۴). در سوی مقابل این دیدگاه، نظریات مارکس و انگلس قرار دارد که وقوع نابرابری های اجتماعی را در عوامل دیگری جستجو می کنند. به نظر مارکس افراد بر مبنای موقعیتهای و وظایف گوناگون که در ساختار تولید جامعه دارند، طبقات اجتماعی را شکل می دهند (تأمین، ۱۳۷۳: ۷ به نقل از حاتمی نژاد و همکاران). مارکس و انگلس فضای شهری را قلمرویی می دیدند که فرایندهای درهم تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز می یابد. در شهرها گرایش سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن عینیت و گسترش می یابد (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۰۲). ماکس وبر بر خلاف مارکس در کنار بعد اقتصادی در پیدایش نابرابری اجتماعی دو بعد دیگر قدرت و حیثیت را اضافه میکند. در نگاه او قدرت، مالکیت و حیثیت با وجود وابستگی متقابلشان سه بنیان متمایزند که بر روی آنها نظام قشر بندی در هر جامعه ای سامان می یابد. (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۴). عدالت اجتماعی در شهر یعنی حفظ منافع گروههای مختلف اجتماعی به طور عام و گروههای هدف به طور خاص، به وسیله توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه ها. به همین جهت، اکنون مباحث عدالت محیطی با تأکید بر مترادف بودن مفاهیم عدالت محیطی و عدالت اجتماعی، لزوم حسابرسی اجتماعی (از نهادها و سازمانهای دولتی و

نظیر اینها) را به عنوان پایه و اساس حسابرسی محیطی، ضروری می‌شمارند (Gray, 2002: 27) به نقل از مرصوصی). از مهمترین عوامل در برنامه ریزی شهری، استفاده از فضاها و توزیع مناسب و به عبارتی کاملتر عدالت فضایی است. در این راستا کاربریها و خدمات شهری از جمله عوامل مؤثر و مفیدند که با پاسخگویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد میتوانند با برقراری عادلانه تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند.

### مواد و روش:

نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. محدوده جغرافیایی مورد پژوهش شهر زاهدان و جامعه آماری آن، مناطق ۳ گانه شهرداری این شهر می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روشهای مختلف کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی اخذ شده است. ۱۰ شاخص جمع آوری شده (سرانه هرکدام از مقاطع آموزشی شامل سرانه مهد کودک و پیش دبستانی، دبستان، راهنمایی، دبیرستان، پیش دانشگاهی، مدارس غیر انتفاعی، مدارس دولتی، مراکز آموزش عالی دولتی، مراکز فنی و حرفه ای و مراکز آموزش عالی غیر دولتی به تفکیک در هر منطقه) می‌باشد. در گام نخست، به لحاظ برخورداری امکانات آموزشی با استفاده از شاخص ناموزنی موریس به سنجش میزان برخورداری مناطق سه گانه شهر پرداخته شده است. سپس از طریق مدل ضریب پراکندگی<sup>۱</sup> (C.V) میزان نابرابریهای منطقه‌ای در برخورداری یا عدم برخورداری امکانات آموزشی در شهر زاهدان محاسبه شده است. همچنین از ضریب آنتروپی<sup>۲</sup> برای شناخت روند سازمان یابی و توزیع امکانات آموزشی در دهه اخیر استفاده شده است.

### معرفی اجمالی شهر و مناطق آن:

شهر زاهدان در قسمت شمالی دشت کوچکی قرار گرفته که اطراف آن را کوههای متعدد احاطه کرده و بخش‌های از این دشت همچون بازوهای در دل این کوهها نفوذ نموده و در بعضی از موارد به وسیله تنگه‌ها و گردنه‌ها با دشت کوچک مجاور ارتباط می‌یابد، که دشت میرجاوه در جنوب شرق زاهدان از آن جمله است (ابراهیم زاده و عبادی، ۱۳۸۷: ۴۴) این شهر به عنوان مرکز اداری - سیاسی استان سیستان و بلوچستان به تنهایی در حدود ۲۳ درصد از کل جمعیت استان را در خود جای داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در تمامی دوره‌های سرشماری کشور رشد جمعیت این شهر تقریباً دو برابر متوسط کشوری بوده است. این امر بیانگر آن است که علاوه بر بالا

- این مدل مقدار پراکندگی را مشخص می‌کند که شکل کلی مدل به شرح زیر است. برای مطالعه بیشتر به (صبغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۳) یا (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۶۱) و (کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰: ۱۴۰). مراجعه شود

$$C.V = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}{n}}{\frac{\sum_{i=1}^n x_i}{n}}$$

$$G = H / \ln K$$

$$H = -\sum P_i \ln P_i$$

$$۲- \text{ فرمول بدین صورت است (فنی، ۱۳۸۲)}$$

در این فرمول  $H$ : مجموع فراوانی لگاریتم نپری فراوانی  $P_i =$  فراوانی،  $\ln P_i$ : لگاریتم نپری فراوانی،  $K$ : تعداد طبقات  $G$ : میزان آنتروپی.

بودن سطح باروری و زاد و ولد، شهر از مهاجر پذیری بالایی برخوردار بوده است. بنابراین رشد بالایی جمعیت را بایستی از یک سو در عوامل درونی ساختار جمعیت و از سوی دیگر در عوامل خارج از ساختار جمعیتی شهر جستجو کرد (مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۸۲، ۴۱). زاهدان با کارکرد تجاری-بازرگانی به دلیل عدم سابقه تمدنی و سابقه تکاملی از روستا به شهر، کمبود ریزشهای جوی و منابع آب عمدتاً به دلایل بیرونی رشد کرده و به عنوان یک شهر برای مرکزیت استان برگزیده شده است. عمده ترین عوامل رشد شهر عبارتند از ۱- سیاستهای جهانی ۲- اهمیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی ۳- توجه و سرمایه گذاریهای دولتی ۴- موقعیت تجاری و بازرگانی ۵- مهاجرت. شهر زاهدان با کارکرد بر اساس تقسیم بندی صورت گرفته در طرح تفصیلی ۱۳۶۹، مشتمل بر سه منطقه، ۲۰ ناحیه و ۸۵ محله می باشد. منطقه‌ی یک با مساحتی بالغ بر ۲۶۸۰ هکتار و جمعیتی در حدود ۱۹۳۷۶۵ نفر واقع در شرق و جنوب شرقی شهر زاهدان، منطقه ای تقریباً ناهمگون است که بیشتر ساکنان آن را طبقه متوسط به بالا و متوسط به پایین تشکیل داده اند. این منطقه هم از محلات فقیر نشینی همچون شیر آباد با خصوصیات و فرهنگ خاص خود (اسکان غیر رسمی) و هم محلات نسبتاً برخوردار همانند زیباشهر تشکیل شده است. بنابراین ناهمگونی و عدم یکپارچگی در این منطقه کاملاً مشهود است. منطقه ی دو واقع در جنوب غرب شهر، منطقه ای تقریباً همگن به حساب می آید که اقشار متوسط و بالایی شهر را در خود جای داده است. مساحت این منطقه ۲۳۷۰ هکتار و جمعیت آن ۱۹۴۱۱۰ نفر گزارش شده است. منطقه سه شهری که تقریباً ۸۰ درصد آن را حاشیه نشینان شهری همانند بابائیان، کارخانه نمک و پشت گاراژدارها تشکیل می دهند، در شمال و شمال غرب شهر واقع شده است (علی آبادی، ۱۳۸۱، ۵). این منطقه با مساحتی بالغ بر ۲۱۵۰ هکتار، ۱۷۹۵۷۴ هزار نفر جمعیت دارد. در مجموع مساحت شهر زاهدان در سال ۱۳۸۷ در حدود ۷۲۰۰ هکتار و جمعیت آن ۵۶۷۴۴۹ نفر برآورد شده است. پراکندگی اقشار مختلف در شهر زاهدان در مناطق و محلات تا حدودی روشن کننده ی نیازها و خواسته‌های اجتماعی در نقاط مختلف شهر است که توجه به این نیازها در برنامه‌ریزی شهری، توزیع امکانات عمومی در جهت برقراری عدالت و در نهایت نیل به توسعه پایدار شهری ضروری و موفقیت آمیز خواهد بود.

جدول (۱): مقایسه رشد جمعیت شهر زاهدان و نقاط شهری کشور

جمعیت	تعداد					نرخ رشد					
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۳۵-۴۵	۴۵-۵۵	۵۵-۶۵	۶۵-۷۵	۷۵-۸۵
شهر زاهدان	۱۷۴۹۵	۳۹۷۳۲	۹۳۷۴۰	۲۸۱۹۲۳	۴۱۹۵۱۸	۵۶۷۴۴۹	۸/۵	۹	۱۱/۶	۴/۰۵	۳/۰۷
نقاط شهری کشور	۶۰۰۲۶۲۱	۹۷۹۵۸۱۰	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۳۶۸۱۷۷۸۹	۴۸۲۴۵۰۷۵	۵/۰۲	۴/۹	۵/۴	۲/۹۵	۲/۷۴

ماخذ: مرکز آمار ایران،

### تبیین مدل و تحلیل داده ها:

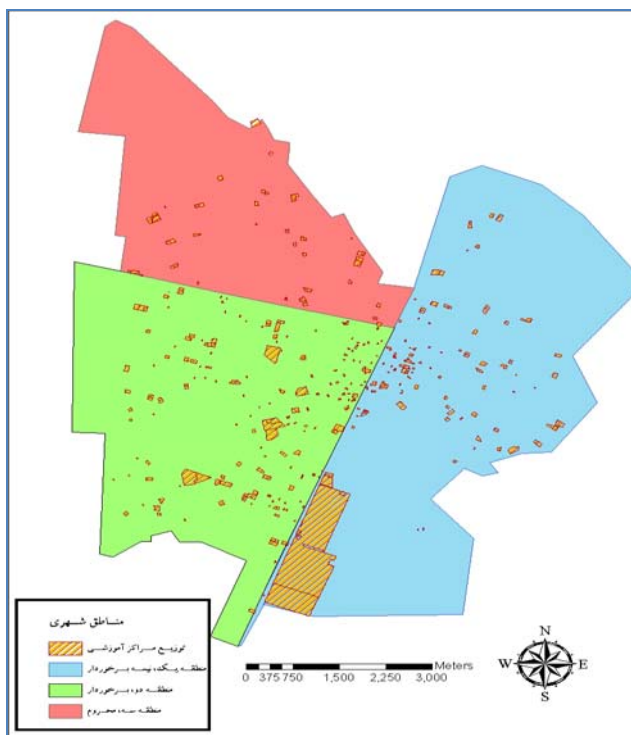
مدلها که دارای ابعاد فضایی - مکانی هستند، قادر به تحلیل وضع موجود سازمان فضایی و ساختار حاکم بر آن

می‌باشند و در واقع تحلیل و توزیع خدمات و کاربریها بدون استفاده از آنها در پاره‌ای از مواقع امکان‌پذیر نمی‌باشد (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱). در این قسمت برای پاسخگویی به فرضیه اول یعنی بین مناطق شهری زاهدان به لحاظ برخورداری از امکانات آموزشی تفاوت فاحشی وجود دارد، از شاخص توسعه یافتگی موریس که از جدیدترین الگوهای رسمی بکار گرفته شده در سطح جهانی است، استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر این شاخص با استفاده از اطلاعات گردآوری شده در زمینه خدمات آموزشی در مناطق سه گانه شهری مورد مطالعه، ساخته و پرداخته شده است. ضریب شاخص توسعه موریس بین صفر تا ۱۰۰ نوسان دارد که هر چه به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، سطح برخورداری بیشتر است (فرودی، ۱۳۸۳). همچنین برای سنجش میزان اختلاف در برخورداری مناطق از امکانات آموزشی از شاخص ضریب پراکندگی (C.V) استفاده شده است. مقایسه بین نمره نهایی و نهایتاً سطح بندی مناطق حاکی از آن است که منطقه دو شهر زاهدان به تنهایی اکثر مراکز آموزشی را به خود جذب کرده و اختلاف شدیدی از این حیث با سایر مناطق شهر دارد، این یعنی یک روند کاهشی در وضعیت برخورداری از مرکز شهر به سمت پیرامون و مناطق حاشیه نشین شهر. این نابرابری و عدم برخورداری در منطقه سه محل استقرار حاشیه نشینان شهری بسیار بغرنج می‌باشد. در مجموع میتوان ادعا نمود که منطقه دو به عنوان منطقه برخوردار شهر، منطقه یک شهرداری، منطقه نیمه برخوردار و منطقه سه به عنوان منطقه محروم و عقب مانده به لحاظ برخورداری از امکانات آموزشی شناخته میشود. همچنین با محاسبه میزان پراکندگی یا C.V مشخص میشود که بالاترین نابرابری در بین مناطق به لحاظ شاخص مراکز آموزش عالی غیر دولتی با ضریب ۱/۸۲ و کمترین اختلاف در میان شاخصها در سرانه مهد کودک و پیش دبستانی با ۰/۷۲ می‌باشد. در مجموع ضریب اختلاف برای تمامی شاخص های مورد بررسی در سطح بالایی بوده که نابرابری شدیدی را در توزیع سرانه ها آموزشی در بین مناطق شهری را تبیین می‌کند.

جدول (۲): رتبه بندی و محاسبه میزان اختلاف مناطق شهری زاهدان به لحاظ شاخصهای آموزشی

متغیرها	منطقه یک		منطقه دو		منطقه سه		C.V محاسبه شده
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	
سرانه مهد کودک و پیش دبستانی	۳	۷۵	۱	۱۰۰	۲	۵۰	۰/۷۲
دبستان	۲	۶۹	۱	۱۰۰	۳	۲۸	۰/۹۱
راهنمایی	۲	۶۱/۵	۱	۱۰۰	۳	۵۴/۵	۰/۹۱
دبیرستان	۱	۱۰۰	۲	۸۶/۶	۳	۶۳/۳	۰/۷۵
پیش دانشگاهی	۲	۵۵	۱	۱۰۰	۳	۵۰	۰/۹۵
غیر انتفاعی	۲	۵۵	۱	۱۰۰	۳	۲	۱/۱
دولتی	۱	۱۰۰	۲	۷۷/۷۷	۳	۴۷/۲۲	۰/۷۳
مراکز آموزش عالی دولتی	۱	۱۰۰	۲	۰/۳۴	۳	۰	۰/۸۴
مراکز فنی و حرفه ای	۱	۱۰۰	۲	۶۲/۲	۳	۳/۱	۰/۸
مراکز آموزش عالی غیر دولتی	۲	۰/۲۱	۱	۱۰۰	۳	۰	۱/۸۲
شاخص نهایی کلی	۶۱/۶۴		۷۲/۶۹		۲۹/۸۱		
رتبه نهایی	۲		۱		۳		

ماخذ: محاسبات نگارندگان



شکل شماره ۱: نقشه نحوه توزیع مراکز آموزشی و میزان برخورداری هر یک از مناطق شهری زاهدان

### روند سازمان یابی فضایی خدمات آموزشی شهر زاهدان:

در این بخش از مقاله، برآنیم تا با روند توزیع فضایی خدمات آموزشی شهر زاهدان، در گذشته و حال آشنا شویم و با استفاده از خصوصیت بارز ضریب آنتروپی ((پیش بینی وضع آینده بر مبنای وضع موجود. به این نکته پی ببریم که آیا روند سازمان یابی خدمات آموزشی شهر زاهدان در جهت تعادل گام بر می‌دارد یا عدم تعادل؟ بر اساس این مدل، اگر آنتروپی به طرف صفر میل کند حکایت از تمرکز بیشتر و عدم تعادل در توزیع خدمات در سطح شهر و اگر به سمت یک و بالاتر میل کند توزیع متعادل‌تر را در سطح شهر یا منطقه نشان می‌دهد (Sudhira, 2003: 299-311). لازم به ذکر است به علت پرهیز از بالا رفتن حجم مقاله فقط این ضریب در سالهای مبدا و مقصد آماری مورد استفاده قرار می‌دهیم لیکن روند و معادله خطی آن برای سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۷ محاسبه و در نمودار مشخص شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۸۳ بهترین الگوی فضایی را در شهر داشته ایم و بعد از آن یک روند کاهشی در میزان برابری به لحاظ شاخص های مورد بررسی شاهد هستیم.

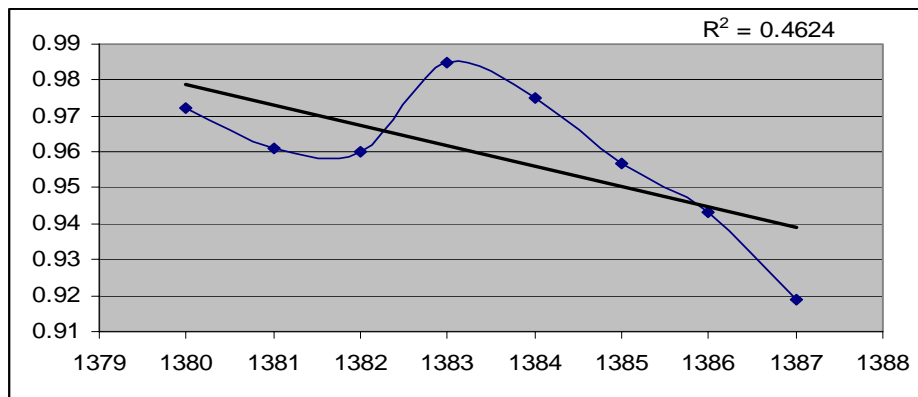
جدول (۳): محاسبه تغییرات ضریب آنتروپی در مناطق سه گانه شهری زاهدان در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۷

۱۳۸۷			سال سرانه	۱۳۸۰			سال سرانه	مناطق
Pi.Lnpi	Lnpi	pi		Pi.Lnpi	Lnpi	pi		
-۰/۳۶۱	-۱/۱۳	۰/۳۲	۲/۱	-۰/۳۶۷	-۱/۰۵	۰/۳۵	۲/۲	منطقه ۱
-۰/۳۴۱	-۰/۶۷	۰/۵۱	۳/۴	-۰/۳۶۱	-۰/۸۴	۰/۴۳	۲/۷	منطقه ۲
-۰/۳	-۱/۷۷	۰/۱۷	۱/۱	-۰/۳۳۲	-۱/۵۱	۰/۲۲	۱/۴	منطقه ۳
-۱/۰۰۲	-۳/۵۷	۱۰۰	۶/۶	-۱/۰۶	-۳/۴	۱۰۰	۶/۳	Σ

ماخذ: محاسبات نگارندگان



شکل شماره ۲: نمودار روند و معادله خطی میزان ضریب آنتروپی در سالهای ۱۳۸۷-۱۳۸۰



بنابراین، فرضیه دوم تحقیق، که بیانگر گسترش روند نابرابری در سازمان یابی خدمات آموزشی شهر زاهدان مورد تایید است. زیرا که ضریب آنتروپی در سال مبداء مورد محاسبه  $G = 0.972$  بوده و در سال مقصد این ضریب  $G = 0.919$  می‌باشد که حاکی از بیشتر شدن شکاف برخورداری از خدمات آموزشی بین مناطق شهری زاهدان می‌باشد و با این روند (خصوصیت بارز ضریب آنتروپی، پیش بینی وضع آینده بر مبنای وضع موجود) شهر را به سوی عدم تعادل و در نهایت دستیابی به مقدمات توسعه پایدار را در این شهر از بین خواهد برد و این هشدار را به دست اندرکاران و برنامه ریزان این شهر در ارایه خدمات آموزشی خواهد بود.

### نتیجه گیری

در برنامه ریزی شهری آنچه که می‌تواند به تحقق پذیری بیشتر عدالت شهری کمک نماید، توجه به عدالت فضایی و برنامه ریزی هایی است که تمرکز خدمات را عادلانه در مناطق مختلف توزیع نمایند. این امر در امکانات آموزشی به علت پایه‌ای و اساسی بودن نقش آن در توسعه و افزایش سرمایه انسانی و در نهایت نیل به توسعه پایدار دو چندان است. این مقاله در وهله اول با استفاده از روش مورس و محاسبه ضریب پراکندگی نشان داده است بین مناطق شهر زاهدان در برخورداری از امکانات آموزشی تفاوت فاحشی وجود دارد و منطقه دو شهرداری به عنوان برخوردارترین، منطقه یک و سه به عنوان مناطق محروم از این حیث محسوب می‌شود. البته باید خاطر نشان کرد که وضعیت منطقه یک نسبت به منطقه سه تا حدودی مطلوبتر است. در این بین بیشترین اختلاف در برخورداری از امکانات آموزشی در بین مناطق به لحاظ شاخص مراکز آموزش عالی غیر دولتی با ضریب  $1/82$  و کمترین اختلاف در میان شاخصها در سرانه مهد کودک و پیش دبستانی با  $0/72$  می‌باشد. در مجموع ضریب اختلاف برای تمامی شاخص های مورد بررسی در سطح بالایی بوده که نابرابری شدیدی را در توزیع سرانه ها آموزشی در بین مناطق شهری را تبیین می‌کند؛ و به نظر می‌رسد با توسعه روزافزون شهر زاهدان بر میزان نابرابریها نیز افزوده می‌شود. همچنین در طی دهه‌ی اخیر، روند توزیع و سازمان یابی امکانات آموزشی با استفاده از ضریب آنتروپی در شهر زاهدان به سمت عدم تعادل و تمرکزگرایی در منطقه دو شهری و تشدید نابرابریها و در نتیجه گسستگی بیشتر عدالت فضایی بین مناطق در جریان است. و این می‌تواند هشدار جدی به دست اندرکاران امور شهری و همچنین

نهادهای آموزشی می باشد. پراکنش اقشار محروم و وجود بعضی نقاط حاشیه نشین در شهر زاهدان روشن کننده نیازها و خواسته های اجتماعی به حق آنها در این نقاط شهر است، که توجه به این نیازها در برنامه ریزی شهری، توزیع امکانات عمومی به ویژه در بخش آموزش در جهت برقراری عدالت اجتماعی و نهایتاً رسیدن به توسعه پایدار شهری ضروری و موفقیت آمیز خواهد بود.

#### منابع:

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی و ا. عبادی (۱۳۸۷): تحلیلی بر توزیع مکانی- فضایی کاربری فضای سبز در منطقه سه شهرداری زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، سال ششم، شماره ۱۱، زاهدان.
- ۲- افروغ، عماد (۱۳۷۷): فضا و نابرابری، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۳- تامین، ملوین (۱۳۷۳): جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، نشر توتیا.
- ۴- جاجرمی، کاظم و ا. کلتی (۱۳۸۵): سنجش وضعیت شاخص های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی: گنبد قابوس، مجله جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره ۸، زاهدان.
- ۵- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۳): برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، تهران.
- ۶- حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۸۷): تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربریهای خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین، پژوهشهای جغرافیایی انسانی، شماره ۶۵، دانشگاه تهران.
- ۷- حکمت نیا، حسن و م. موسوی (۱۳۸۵): کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین.
- ۸- راولز، جان (۱۳۸۵): عدالت، انصاف و تصمیم گیری عقیدتی، ترجمه عرفان ثابتی، نشر قنفوس، تهران.
- ۹- شکویی، حسین (۱۳۸۲): اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم: فلسفه های محیطی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی.
- ۱۰- شکویی، حسین (۱۳۷۳): دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ چهارم، تهران.
- ۱۱- صباغ کرمانی، مجید، تجزیه و تحلیل نابرابریهای منطقه ای اشتغال در استانهای کشور، مجله مدرس، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۸۰.
- ۱۲- طهماسبی، شهرام (۱۳۸۴): تکنیکها و روشهای تحلیل مسائل شهری و منطقه ای، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان.
- ۱۳- علی آبادی، جواد (۱۳۸۱): اسکان غیر رسمی، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها. شماره ۴۵. انتشارات سازمان شهرداریها.
- ۱۴- فرهودی، رحمت الله (۱۳۸۳): درسنامه تکنیکهای برنامه ریزی منطقه ای، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران.

- ۱۵- فنی، زهره (۱۳۸۲): شهرهای کوچک رویکرد دیگر در توسعه منطقه‌ای. چاپ دوم: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۱۶- قره نژاد، حسن (۱۳۷۶): بررسی توزیع جغرافیایی مراکز بهداشتی- درمانی در شهر اصفهان، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، مشهد.
- ۱۷- کاظمی پور، عبدالحمید (۱۳۸۲). پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان، موج دوم، طرحهای ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوریاها و تکنیکها)، انتشارات خوشبین. تهران.
- ۱۹- لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۰): راهبردهای جهت تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۰، تهران
- ۲۰- مشایخ، فریده (۱۳۷۷): فرایند برنامه‌ریزی آموزشی، تالیف گروه مشاوران یونسکو، چاپ هفتم، انتشارات مدرسه، تهران.
- ۲۱- مهندسین مشاور شهر و خانه (۱۳۸۲): طرح جامع شهرسازی حریم شهر زاهدان، اداره کل مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان.
- ۲۲- معروفی، یحیی (۱۳۷۹): بررسی نابرابری فرصتهای آموزشی دوره متوسطه در مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی ۷۲-۷۱ الی ۷۸-۷۷، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.
- ۲۳- ماسگریو، ریچارد (۱۳۷۲): مالیه عمومی در تیوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۲۴- مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳): توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، شماره ۱۴. تهران.
- ۲۵- مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳): تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها. شماره ۶۵. انتشارات سازمان شهرداریها.
- ۲۶- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵-۱۳۳۵): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان زاهدان. ۲۷- ملک حسینی؛ عباس (۱۳۸۵): تحلیل سازمانیابی فضایی استان مرکزی با استفاده از مدل آنتروپی. مجله آمایش، شماره اول. دانشگاه آزاد ملایر، ملایر.
- ۲۷- نبی زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴): بی عدالتی در فرصتهای آموزشی سیستان و بلوچستان، مجله پژوهشهای زنان، دوره ۳، شماره ۳. تهران.
- ۲۸- وارثی، حمید رضا و ص. قائد رحمتی و ا. باستانی فر (۱۳۸۶): بررسی توزیع خدمات شهری در عدم فضایی جمعیت مطالعه موردی شهر اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، سال پنجم، شماره ۹، زاهدان.
- ۲۹- هاروی، دیوید (۱۳۷۹): عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوم. تهران.

- 30- Afrakhte, Hasan,(2006): The problems of regional development and Border cities: A case study Zahdan, Iran, Cities, Volume 23, Issue 6; pp 423-432.
- 31- Bolary, J, et al, (2005): Urban Environment Spatial Fragmentation and Social Segregation in Latin America: Where Does Innovation Lie? Habitat International, 29, pp: 627-645.
- 32- Daniere, A. G. and Takashi, L.M., (1999): poverty and Access: Differences and Commonalties across Slum Communities in Bangkok. Habitat Intl.V.23,N.2,pp 271-288.
- 33- Gray, Rob (2002): Social Accounting project and Accounting Organization and Society Privileging engagement, Imaging new accounting Organization and Society, 27.
- 34- Ilcan, S., Philips, L., (2000): Domesticating spaces in transition, Anthropological, 42, 205-216.
- 35- Rawls, John (1972): Theory of Justice: reply to Lyons and Yeitelman, the journal of philosophical Eastern Division (Oct. 5, 1972). 556-557.
- 36- Rawls, John (1985): Justice as Fairness: Political not metaphysical, philosophy and public Affairs, Volume 14, issue 3 (summer 1985), 223-251.
- 37- Runciman, W. G, (1966): Relative Deprivation and Social justice, (London).
- 38- Sudhira, H. S. (2003): Ramachandra, T. V, and Jagadish, K. S, Urban Growth Analysis Using Spatial Temporal Data, Journal of Indian Society of Remote Sensing, Volume 31 Issue 4, India.

Archive of SID